

تاریخ وصول: ۱۳۹۲/۰۵/۱۲

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۲/۰۶/۲۳

طرح پیشنهادی برای پیشرفت هنرهای سنتی در چارچوب الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت

۱۳۵

دانشنامه الگوی پیشرفت
اسلامی و ایرانی

طرح پیشنهادی برای پیشرفت هنرهای سنتی در چارچوب الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت
اعظم ملایی و همکاران

اعظم ملایی^{۱*}

محمد مهدی مظاهری^۲

مجید کافی^۳

۱. دکترای روابط بین الملل دانشگاه آزاد واحد علوم تحقیقات تهران، تهران، ایران.

۲. استادیار دانشگاه آزاد واحد علوم تحقیقات تهران، تهران، ایران.

۳. دانشجوی دکتری روابط بین الملل دانشگاه تهران، تهران، ایران.

چکیده

هدف پژوهش حاضر این است که با شناخت نقش هنرهای سنتی در چارچوب الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت و با آینده‌نگری و آسیب‌شناسی از روح کلی حاکم بر الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت که همان اسلام‌محوری و بومی‌گرایی است، در قالب یک بررسی اکتشافی، الگویی پیشنهادی برای پیشرفت هنرهای سنتی در قالب الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت تدوین گردد. در بررسی حاضر، ابتدا اهمیت و جایگاه هنرهای سنتی در فرهنگ اسلامی ایرانی مورد بررسی قرار گرفت. سپس فرصت‌ها و ظرفیت‌های پیشرفت هنرهای سنتی و نیز چالش‌ها و موانع توسعه و پیشرفت آن تشریح گردید تا تصویر کاملی از موضوع پژوهش به دست آید. در بخش پایانی نیز با توجه به مجموعه مباحث پیشین، الگویی پیشنهادی برای پیشرفت هنرهای سنتی در چارچوب الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت ارائه گردید.

واژگان کلیدی: هنرهای سنتی، الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت، راهبرد، پیشرفت، هنر.

در طی سالیان گذشته، اجماع گسترده‌ای در میان محافل دانشگاهی و سیاست‌گذاران و مجریان کشور درباره لزوم تدوین الگوی بومی اسلامی- ایرانی پیشرفت به وجود آمده است که بیانگر ضرورت قطعی و نیاز جدی کشور به الگوی مذکور است. با توجه به تفاوت‌های تاریخی، فرهنگی و جغرافیایی جوامع مختلف، الگوهای پیشرفت و توسعه، متناسب با کشورهای مختلف، با یکدیگر متفاوت است. الگوهای پیشرفت، لااقل در یکی از سه حوزه، یعنی تحلیل وضعیت موجود، تبیین وضعیت مطلوب، و راهبردهای تغییر با یکدیگر اختلاف دارند و یکی از مبادی اصلی اختلاف نیز جهان‌بینی و ارزش‌های حاکم بر الگوهای یادشده است (میرمعزی، ۱۳۸۹: ۶۳).

بنابراین، الگوی اسلامی- ایرانی پیشرفت، الگویی مبتنی بر مبانی معرفت‌شناختی و هستی‌شناختی اسلامی و در چارچوب حقوق و اخلاق اسلامی است. الگوی فوق، ثابت و جهان‌شمول است و بر شرایط زمانی و مکانی گوناگون، تطبیق‌پذیر است. اتصاف الگوی اسلامی پیشرفت به ایرانی بودن، به دلیل انطباق آن با شرایط و ویژگی‌های فرهنگی، اجتماعی، سیاسی و اقتصادی ایران است. به همین دلیل ممکن است این الگو برای سایر کشورهای اسلامی مناسب نباشد. الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت، به مجموعه نظام‌مندی از مفاهیم، اصول موضوعه، قوانین و راهبردها اطلاق می‌شود که در ساختاری منطقی و مبتنی بر مبانی معرفت‌شناختی و هستی‌شناختی اسلام و در چارچوب حقوق و اخلاق اسلامی، به تحلیل وضعیت موجود ایران و تبیین وضعیت مطلوب آن و ارائه راهبردها برای تغییر وضعیت موجود می‌پردازد.

بی‌تردید، ارائه الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت، باید با نگاهی فراگیر به همه ابعاد و حوزه‌ها انجام شود تا بتواند زمینه‌ساز تحقق توسعه‌ای متناسب و پایدار باشد. در اینجا حوزه فرهنگ و هنر از اهمیت بسیاری برخوردار است، زیرا اولاً توسعه فرهنگی خود ضرورتی انکارناپذیر است و دوم اینکه، فرهنگ توسعه‌یافته، زمینه‌ای برای توسعه سایر بخش‌ها خواهد بود. برای مثال، پیشرفت اقتصادی بدون از بین بردن مفاسدی نظیر رشوه، دروغگویی، تقلب و بدون توجه به درونی‌سازی عناصری مانند سخت‌کوشی، وجدان کاری، صداقت و اعتمادسازی میسر نیست. علاوه بر این، الگوی غربی توسعه، وقتی در کشورهای اسلامی وارد می‌شود، بیش از هر چیز، فرهنگ را تحت تأثیر قرار می‌دهد. در دنیای کوچک امروز، مردم بخش منفی فرهنگ غرب را از طریق امواج ماهواره‌ای و اینترنتی دریافت و تحت تأثیر نفوذ رسانه، آن را در خود درونی می‌کنند.

در واقع، نیازمند آن هستیم که فرهنگ را در بسته‌ای بزرگ‌تر از فرهنگ اقتصادی در نظر بگیریم و از تسلط انگاره مادی‌گرایی و ماشینیسم بر الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت بکاهیم (علاسوند، ۱۳۸۹، ۱۹۸).

بازبینی مکاتب مختلف توسعه نیز بیانگر همین واقعیت است. هر چند مقوله «فرهنگ» در اندیشه نظریه‌پردازان نسل اول و دوم توسعه مغفول مانده بود، اما فرهنگ از دیدگاه نظریه‌پردازان نسل سوم توسعه، به عنوان یکی از ارکان توسعه پذیرفته شده است. نظریه‌پردازان نسل سوم توسعه، انسان را محور توسعه می‌دانند، از این رو، بر بعد فرهنگی در کنار سایر ابعاد توسعه تأکید می‌کنند (نوبخت، ۱۳۸۹، ۲۴۶). اما فرهنگ از دیدگاه رهبران نظام جمهوری اسلامی ایران، مفهومی گسترده‌تر است و تأثیرگذاری بیشتری دارد، به طوری که بعد فرهنگی نه تنها در کنار سایر ابعاد توسعه و در ساختار توسعه همه‌جانبه و متوازن ظاهر می‌شود، بلکه به مثابه زیرساخت توسعه در آفرینش و رشد سایر ابعاد توسعه اثربخش خواهد بود. به عبارت دیگر، فرهنگ را می‌توان ریشه درخت توسعه و سایر ابعاد توسعه مانند بعد اقتصادی، اجتماعی، سیاسی، علم و فناوری را ساقه و شاخه‌ها و اهداف توسعه را نیز میوه‌های این درخت دانست. از این رو، فقدان توسعه فرهنگی در فرآیند توسعه با وجود ظهور ابعاد اقتصادی، سیاسی و اجتماعی آن، موجودیت توسعه را به چالش می‌کشاند.

از دیدگاه رهبری نظام جمهوری اسلامی ایران، فرهنگ زیربنای توسعه محسوب می‌شود. «فرهنگ در حقیقت همه چیز یک جامعه است، هیچ بنیاد اجتماعی و اقتصادی، بدون اتکاء به فرهنگ شکل نمی‌گیرد... اگر بخواهیم توسعه اقتصادی را به معنای صحیح کلمه در جامعه راه بیندازیم، احتیاج به تلاش فرهنگی داریم» (آیت الله خامنه‌ای، ۱۳۸۷). مهم‌ترین وجوه اختلاف دیدگاه رهبران نظام جمهوری اسلامی ایران با سایر صاحب‌نظران حوزه فرهنگ را باید با نوع نگاه دینی و توحیدی آنها تعلیل کرد. از این رو، در یگانه سند مکتوب برای وضع سیاست‌های فرهنگی کشور که با عنوان «اصول سیاست‌های فرهنگی جمهوری اسلامی ایران» تصویب شده و انتشار یافته است، ضمن تأکید بر انطباق سیاست فرهنگی و سیاست انقلاب اسلامی، اصل، پایه و مبنا بودن فرهنگ اسلامی در همه شئون فردی و اجتماعی تصریح شده است (نوبخت، ۱۳۸۹، ۲۴۸).

اما هنر به‌ویژه هنرهای سنتی، نقش و اهمیت ویژه‌ای در گستره فرهنگ کشور دارد. در حقیقت، آنچه امروز با عنوان هنرهای سنتی می‌شناسیم، مجموعه‌ای از هنرهاست

که با فرهنگ ایرانی عجین شده است. هنر سنتی ایرانی، میراثی افسانه‌ای است که قوم ایرانی با استعداد عظیم و ذوق مهذب خود آفریده است و هم حسی و هم معنوی است (شریف‌زاده، ۱۳۷۸، ۵). در این شرایط، هر نوع الگوی توسعه‌ای، بدون توجه به جان‌مایه روح و هنر ایرانی و نقش و اهمیت و تأثیرگذاری آن در حال و آینده کشور، ناقص خواهد بود. اگر الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت، قرار است طرحی جامع باشد و همه ابعاد و حوزه‌های مورد نیاز کشور را شامل شود، حتماً لازم است جایگاه هنرهای سنتی را به رسمیت بشناسد و وضعیت آرمانی آن در آینده جامعه توسعه‌یافته ایرانی اسلامی را با دقت تشریح کند.

هدف پژوهش حاضر این است که با شناخت نقش و سهم هنرهای سنتی در چارچوب الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت و در قالب یک بررسی اکتشافی، شاخصه‌ها و ویژگی‌های هنر سنتی ایران‌زمین، به نحوی که «باید باشد»، تعیین شود و تصویری جایگزین از هنرهای سنتی ارائه گردد. البته به نحوی که قابل تعیین و هدف‌گذاری به عنوان بخشی از اهداف و برنامه‌های الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت باشد. بدین ترتیب، در بررسی حاضر با آینده‌نگری و آسیب‌شناسی ملهم از روح کلی حاکم بر الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت که همان اسلام‌محوری و بومی‌گرایی است، الگویی پیشنهادی برای موضوع هنرهای سنتی در قالب الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت تدوین خواهد گردید. ابتدا در بخش نخست، اهمیت و جایگاه هنرهای سنتی در فرهنگ اسلامی ایرانی، مورد بررسی قرار خواهد گرفت. سپس در دو بخش بعد، فرصت‌ها و ظرفیت‌های پیشرفت هنرهای سنتی و نیز چالش‌ها و موانع توسعه و پیشرفت آن تشریح می‌گردد تا تصویر کاملی از موضوع پژوهش به دست آید. در بخش پایانی و به عنوان نتیجه پژوهش نیز با توجه به مجموعه مباحث پیشین، الگوی پیشنهادی برای پیشرفت هنرهای سنتی در چارچوب الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت ارائه می‌شود.

۱. جایگاه و اهمیت هنرهای سنتی

هنرهای سنتی، هنرها و صنایع ظریفی هستند که در طول سده‌های متمادی، با حفظ ریشه‌ها و سنت‌های اصیل رشد کرده و مراحل شکل‌گیری خود را گذرانده‌اند و می‌گذرانند. یکی از ویژگی‌های هنرهای سنتی، جنبه رمزی و تمثیلی آن‌هاست. یک اثر هنری سنتی، زیباست و این زیبایی در هنر سنتی، ذاتی است. کاربردی بودن آثار منقول و غیرمنقول و حتی آثاری که در گروه هنرهای جاری در زمان قرار دارد، مانند موسیقی

و نمایش‌های سنتی، یکی دیگر از ویژگی‌های اصلی هنرهای سنتی است که سابقه‌ای طولانی در فرهنگ ایرانی دارد. هنرهای سنتی، بسیار متنوع و مطابق با نیازهای روحی و روانی اقوام مختلف سرزمین ما پدید آمده‌اند. از این رو، همانند آیین‌های منعکس‌کننده فرهنگ سنتی جامعه ایرانی بوده‌اند.

یک بعد اهمیت هنرهای سنتی، عدم وابستگی آن‌ها به زبان است، زیرا از جمله موانع اساسی انتقال فرهنگ‌ها، تفاوت‌های زبانی است که ارتباط با دیگران، به جز از راه فراگیری زبان، را غیرممکن می‌کند. از این رو، مقوله‌های هنری بیانی نیز که مبتنی بر گفتار هستند، از چنین محدودیتی برخوردارند؛ اما برخی از هنرها چنین نیستند و به راحتی انتشارپذیرند. هنرهایی که با کلک توانا و انگشتان جادونمای آدمی به ظهور می‌رسند (نظیر نقاشی، مجسمه‌سازی، کاشی‌کاری، گرافیک، عکاسی و نیز برخی هنرهای نمایشی همانند سینما، تئاتر و هنرهای آمیخته با صنعت) بدون کوچک‌ترین محدودیتی در همه فرهنگ‌ها و ملت‌ها انتشارپذیر هستند. مسابقات جهانی، جوایز بین‌المللی، وجود سازمان‌های تشویق‌کننده آثار هنری، بیانگر بین‌المللی بودن زبان هنر است. به همین دلیل، آگوست کنت با اعتقاد به اینکه هنر، زبان بین‌المللی است، اصرار داشت که همه کودکان باید نقاشی و موسیقی را فرا گیرند.

برای درک هنر سنتی، پیش از همه باید معنای «سنت» را درک کرد. هنر سنتی، هنری است که در سایه بینش سنتی به هستی و امر قدسی مورد شناسایی قرار می‌گیرد. البته منشأ صدور امر قدسی، عالم روحانی است که فوق عالم نفس است و بینش سنتی نیز همان بینشی است که بشر بر مبنای آن زیسته است و هنوز هم بسیاری از کشورهای شرقی بر همان مبنا زندگی می‌کنند (نصر، ۱۳۸۹، ۱۴۴). البته استفاده روزمره از واژه سنت، بدون توجه به مفهوم حقیقی آن، موجب لوث شدن اصل سنت شده است و به نگرشی مجدد در پدیده سنت‌گرایی، با تأمل و دقت بیشتر نیاز است. بررسی این واژه، به فهم عمیق و استفاده بجا و درست در اطلاق این واژه به آنچه باید باشد، نه آنچه به صورت عامیانه استفاده می‌شود، کمک می‌کند.

سنت داده‌ای اولیه نیست و ارائه تعریفی دقیق و مشخص یا منطقی از آن، بسیار دشوار است. سنت خواه ناخواه به معنای استمرار چیزی و نه سکون آن است. لفظ سنت نشان می‌دهد که چیزی حالت مستمر داشته و ادامه یافته است. این استمرار در عین دوام، باید تحرک داشته باشد (مجتهدی، ۱۳۷۳، ۴۶). سنت و قداست، دو صفت هنر هستند که در حین تفکیک‌ناپذیری، یکسان نیستند. صفت سنتی، بیانگر آن دسته از نمودهای سنتی

است که به نحوی بی‌واسطه با مبانی روحانی ارتباط دارند. اما هنری قدسی، پیوندی با اعمال مذهبی و آداب دینی دارد که از مضمون دینی و مفهوم رمزی روحانی برخوردار هستند. هر چند، هنر قدسی، شاخه‌ای از هنر سنتی است که با حیات سنتی پیوند خورده است، اما به صورت خاص، آن بخش از فعالیت‌ها و خلاقیت‌ها را شامل می‌شود که با رمزها و مناسک دینی و روحانی به نحوی بی‌واسطه مرتبط هستند.

هنر سنتی در صورت و محتوا به معنای وسیع کلمه با حقیقت هستی و حقیقت آدمی و اسماء الهی (ذاتی و فعلی و صفاتی) پیوندی ناگسستنی دارد. فهم و بررسی و تحلیل هنر اسلامی، مبتنی بر درکی عمیق و بنیادین از هنر مقدس و هنر سنتی است. هنر اسلامی، یکی از تجلی‌های هنر سنتی و هنر مقدس، مرکز و قلب هنرهای سنتی است که به هنرهای دینی و مذهبی، امکان تجلی می‌بخشد. هنر مقدس، هنر سنتی و هنر اسلامی، به مثابه ریشه و تنه و اندام و میوه‌های درختی تناور است که حقیقت یگانه‌ای را تحقق بخشیده‌اند. اصول و مبانی و مبادی هنر اسلامی را باید در حقیقت کلمه الله و اسماء الحسنی و معرفت الهی و معارف نبوی جست‌وجو کرد و مصادیق آن را نیز در صورت‌های هنری تحقق‌یافته در عالم اسلام یافت.

بدین ترتیب، می‌توان شاخص‌های اصلی اثری از هنرهای سنتی ایران را در جملات زیر خلاصه کرد:

اثر جنبه هنری دارد و در آن سنت‌ها و فنون و روش‌های ویژه هنری و ابزار و مواد خاص باکیفیت به کار می‌رود. داشتن جنبه هنری، تفاوت و مرز بین «هنرهای سنتی» و «صنایع دستی» را مشخص می‌کند؛

اثر از پشتوانه اعتقادی و بینشی و اندیشه متعالی برخوردار است؛

اثر در تاریخ ریشه دارد و حامل میراث فرهنگی و هنری است؛

اثر در رشد و تعالی انسان مؤثر است و به عنوان امری خیر، ساخته و پرداخته می‌شود؛

اثر یک محصول فرهنگی است و حامل پیام و محتوای پرارزش است؛

اثر جزء صنایع مستظرف است.

نخستین خصیصه هنر سنتی این است که با زندگی، پیوند نزدیک دارد و تاروپود آن، از تجارب انسانی بافته شده است. آنچه را ظاهراً بی‌مقدار و به اصطلاح بازاری است، زینت می‌بخشد و به مقام والایی می‌رساند. با نگاهی به هنرهای سنتی ایران درمی‌یابیم که اغلب هنرهای ایران، جنبه عملی و انتفاعی داشتند و جزء هنرهای صناعی محسوب می‌شدند. به اعتقاد هنرمندان هنرهای سنتی ایران، میان هنرهای زیبای محض و هنرهای

سنتی، کمترین تفاوتی وجود نداشته است. آثار هنرهای سنتی در ایران، هم مفید بوده‌اند و هم جنبه زیبایی و هنری در آن‌ها رعایت شده است. این جنبه‌های کاربردی و هنری توأم را نمی‌توان کم‌اهمیت یا خارج از حیطه هنر دانست. زیرا این قبیل اموال فرهنگی و اشیاء و آثار هنری، ضمن اینکه نیازهای روزمره را رفع می‌کردند، دیدگان و ذوق صاحبان آن‌ها را نیز برای درک و فهم زیبایی پرورش می‌دادند.

هنرهای سنتی با انواع هنرها نیز پیوند تنگاتنگی دارند. شیوه تجزیه و تقسیمی که اکنون معمول است، شاید در گذشته از نظر هنرمند ایرانی، حیرت‌آور بوده است. در آن زمان، هر هنری مشتق از هنر دیگر بوده است. غالباً موضوع نگارگری با سرودن شعر همسانی داشته است و شاعر و نقاش، هر یک نکاتی از الهام‌های خود را به دیگری القاء می‌کردند. ایثار و فروتنی هنرمندان سنتی، حیرت‌آور است. آن‌ها در بند شهرت و نام نبودند. فقط یک امضا، آن هم با نام مستعار یا کوچک هنرمند، پای تابلوها بود. هنرهای سنتی ایران، هنرهای گمنامی و بی‌نشانی بودند و بدین دلیل در صراحت، اعتبار و صداقت، پیشرفت بسیاری داشتند. در گذشته، سطح هنرشناسی، هنردوستی و اشتغال به امور هنری در ایران، چه بسا از همه جا بیشتر بوده است. افتخاراتی که امروزه در این زمینه به مردم ایران تعلق دارد، نتیجه هوش، ذوق و استعداد، پشتکار و مهارت نیاکان ماست و باعث اندوه فراوان است که مکتب‌های هنری و فرهنگی جدید سبب شده‌اند بسیاری از هنرمندان، با چنین سابقه درخشان و استواری، قطع رابطه کنند. امروزه جامعه‌شناسان هنر اعتقاد دارند که یکی از پایه‌های تقویت هنر هر سرزمین، ایجاد عشق و علاقه به هنرهای بومی و سنتی در میان مردم آن سرزمین است. به همین دلیل در هر جای عالم باشیم، به محض دیدن یک تابلو مینیاتور و تذهیب، یک قطعه کاشی معرق، و یک قالی با طرح‌های اسلیمی و ختایی، به هنر و هنرمندان سرزمین‌مان می‌بالیم و از تماشای آثار هنرهای سنتی ایران در نمایشگاه‌های جهانی و بین‌المللی غرق در افتخار می‌شویم (مهرپویا، ۱۳۸۸، ۵۲).

۲. ظرفیت‌های هنرهای سنتی در مسیر پیشرفت

هنرهای سنتی ایران‌زمین که طی قرن‌ها پدید آمده‌اند و همچنان زنده و پویا به حیات خود ادامه می‌دهند، مسلماً امکانات و ظرفیت‌های گوناگونی برای توسعه و پیشرفت دارند. بدون تردید، یکی از ظرفیت‌های مهم و جنبه‌های مثبت هنرهای سنتی، نقش آن‌ها در اشتغال‌زایی و آثار آن در مبارزه با انواع بیکاری است. بیکاری یکی از مسائل پیچیده و بغرنج کشورهای رو به رشد است که مولد افزایش سریع جمعیت است. متداول‌ترین

نوع بیکاری در ممالک در حال توسعه، بیکاری پنهان است. به‌ویژه در آن دسته از کشورها که هنوز ساختار جامعه کشاورزی و روستایی، به صورت سنتی و کهن باقی مانده است. بیکاری پنهان به صورت مشاغلی مانند ماشین‌شویی، گل‌فروشی خیابانی، و حتی نیروی کاملاً زاید در مشاغل کشاورزی مشاهده می‌شود. خوشبختانه امروزه با امکانات گسترده‌ای که در حوزه فروش داخلی و صدور محصولات هنرهای سنتی به کشورهای خارجی وجود دارد، می‌توان برای بخشی از نیروی کار زاید، شغل و درآمد ایجاد کرد. هنرهای سنتی و صنایع دستی، با قابلیت‌ها و خصوصیات ویژه خود، از جمله عدم نیاز به سرمایه‌گذاری می‌توانند چنین نقش مهمی را به نحو مطلوب ایفا کنند و با این شیوه، به حمایت جدی از هنر و حفظ و احیاء آثار منسوخ بپردازند.

امروزه در بین کشورهای مختلف جهان، تلاش برای افزایش درآمد سرانه به صورت رقابتی پایان‌ناپذیر درآمده است و از این رو، بی‌تردید هر عاملی که به افزایش درآمد سرانه کشورهای در حال توسعه کمک کند، درخور اهمیت است و هنرهای سنتی به علت داشتن مزایایی نظیر کاربر بودن، سادگی فن و عدم نیاز به آموزش فنی وسیع و تأثیر فوق‌العاده در افزایش سطح اشتغال و غیره، بیشتر از هر فعالیت اقتصادی دیگری، ظرفیت‌هایی برای توسعه و پیشرفت دارند. صنایع دستی به خصوص در مناطق روستایی و عشایری می‌تواند به عنوان دومین منبع درآمد و در برخی از مناطق کشور، حتی به عنوان مهم‌ترین عامل کار و درآمد محسوب گردد.

از آنجایی که تولید محصولات هنرهای سنتی، اساساً متکی به صنایع داخلی است، از این رو، به طور معمول، بیش از ۹۰ درصد ارزش داده‌ها در این رشته که به طور عمده نیروی کار، مواد اولیه مصرفی و ابزار و وسایل کار را شامل می‌شود، در داخل کشور می‌تواند فراهم شود و مورد حمایت قرار گیرد و هر نوع افزایش در میزان تولید و فروش فرآورده‌های دستی، اثر مستقیمی بر افزایش تولید ناخالص ملی دارد. کشورهای دارای قابلیت تولید هنرهای سنتی و صنایع دستی می‌کوشند با اتخاذ تدابیر حمایتی و سیاست‌های تشویقی، موجبات رشد و توسعه صادرات صنایع دستی را فراهم کنند که یکی از اقلام مهم صادراتی آن‌ها محسوب می‌شود (هاتفی، ۱۳۸۸، ۷۸).

موفقیت‌های حاصله در صدور گسترده محصولات هنرهای سنتی، ناشی از عدم مشابهت و فقدان جنبه رقابتی فرآورده‌های دست‌ساز با تولیدات صنعتی کشورهای پیشرفته است. کشورهای پیشرفته در حوزه محصولات هنرهای سنتی، برخلاف حوزه کالاهای صنعتی، به عنوان تقاضاکننده و کشورهای در حال توسعه به عنوان عرضه‌کننده مطرح هستند. ارزانی

نسبی قیمت محصولات هنرهای سنتی به علت پایین بودن سطح دستمزدها در ممالک در حال توسعه، بالا بودن قدرت خرید و تمایل نهایی به مصرف در کشورهای پیشرفته و علاقه مردم به خرید و استفاده از اشیاء هنری- مصرفی، از دیگر شاخصه‌های مهم در این حوزه محسوب می‌شود. با توجه به اینکه هنرهای سنتی، بیانگر خصوصیات تاریخی، اجتماعی و فرهنگی کشور محل تولید است، می‌تواند عامل مهمی در شناساندن فرهنگ و تمدن و جلب و جذب گردشگران باشد. در واقع، ترویج هنرهای سنتی و صنایع دستی، با صنعت گردشگری اثر متقابل دارد و می‌تواند موجبات رشد و توسعه یکدیگر را فراهم کند و جامعه را به سمت خلاقیت، نوآوری و کارآفرینی با تأکید بر هدف تولید ثروت ملی، توسعه صادرات و حفظ و احیاء هنرهای سنتی و صنایع دستی سوق دهند.

البته باید به این نکته توجه داشت که در مدیریت و راهبری هنرهای سنتی و رشد و شکوفایی آن، نباید فقط منتظر نقش‌آفرینی دولت بود. در حال حاضر، برنامه‌ریزی برای قرار گرفتن در مدار پیشرفت و توسعه ملی پایدار، ضرورتی حیاتی است و به تلاشی همه‌جانبه برای افزایش ظرفیت‌ها و پویایی‌های نظام ملی در همه جنبه‌ها و زیرمجموعه‌های سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی نیاز است، تا حدی که نظام ملی قادر به رفع نیازهای فزاینده و سازگاری و تعامل با شرایط متغیر داخلی و خارجی شود. اما دولت یگانه بازیگر در فرایند پیشرفت ملی نیست. در کنار دولت، بازیگران داخلی یعنی بازار، جامعه مدنی، نیروهای سیاسی، افکار عمومی و بازیگران بین‌المللی یعنی بازار، نهادها، افکار عمومی بین‌المللی و غیره نیز قرار دارند (خوش‌چهره، ۱۳۹۱، ۲۲۸). شاید بتوان گفت که هنرهای سنتی، مساعدترین زمینه برای حضور بخش خصوصی و توده‌های مردم برای نیل به توسعه و پیشرفت را دارد. با عنایت به همین ویژگی است که مفهوم کارآفرینی فرهنگی در بخش هنرهای سنتی اهمیت می‌یابد. کارآفرینی فرهنگی، فقط یک شغل یا کسب و کار نیست، بلکه یک سبک تفکر یا یک فرهنگ و سبک زندگی است که در واقع، موتور توسعه محسوب می‌شود و بیکاری‌های پنهان را در حوزه فرهنگی نه تنها آشکار و درمان می‌کند، بلکه با خصوصیات میان‌رشته‌ای خود، باعث پیشگیری از آن و نیز بیان راهکارهای مؤثر در حوزه‌های اقتصادی، صنعتی، علمی و غیره می‌شود. کارآفرینی فرهنگی عبارت است از ارزش‌آفرینی فرهنگی و کارآفرین فرهنگی کسی است که بتواند ارزشی - چه مادی و چه معنوی - را در فرهنگ جامعه خلق کند. کارآفرینان فرهنگی، افرادی هستند که ارزش‌های فرهنگی را در جامعه خلق، کشف یا احیاء می‌کنند. هر یک از کارآفرینان فرهنگی، همانند کارآفرینان اقتصادی، دائماً در جستجوی نیازها و فرصت‌ها

هستند تا از طریق خلاقیت، مخاطره‌پذیری و رهبری، ارزشی را در جامعه ایجاد و خلاء یا نقصی را رفع و اصلاح کنند.

۳. چالش‌های پیش روی پیشرفت هنرهای سنتی

یکی از ریشه‌های ترین مشکلات حوزه هنرهای سنتی این است که متأسفانه در فرهنگ مردم، این نگاه به وجود آمده است که هنرهای سنتی یعنی کالای تجملاتی. این تصور بلای جان هنرمندان ایرانی شده است، زیرا در نتیجه پیدایش آن، خریداران هم‌وطن از آن‌ها حمایت نمی‌کنند. نخستین نشانه این فرهنگ غلط، این است که هر زمان، میهمان خارجی داریم، به فکر هنرهای سنتی ایرانی می‌افتیم و این صنعت در زندگی روزمره ما جایگاهی ندارد و توجهی به آن نداریم. علاوه بر این، بودجه دولتی نیز در این بخش، درست هزینه نشده است. بر اساس قانون در بند ۱۱۹ قانون بودجه کشور، دستگاه‌های دولتی موظف هستند یک هزارم از بودجه عمرانی خود را به خرید آثار فاخر هنری و صنایع دستی اختصاص دهند که این قانون به دلیل حمایت دولت از هنرهای سنتی تصویب شده است. اما متأسفانه قانون یادشده در میانه راه، نیمه‌کاره رها شده است و آمار بسیاری وجود دارد که این بودجه، تمام و کمال هزینه نشده یا به درستی هزینه نشده است. در حالی که هیچ سازمانی حق جابه‌جا کردن ردیف این بودجه را نداشته است و ندارد.

در همه جای دنیا، هنرهای سنتی به دلیل رونق مناسبی که در صنعت گردشگری وجود دارد، به عنوان یکی از ارزش‌آورترین صنایع موجود جهان، شناخته شده است. بی‌تردید، ارتباط مستقیم رشد صنعت گردشگری در کشورهای گردشگرپذیر، با رونق کسب و کار هنرمندان سنتی ارتباطی جدانشدنی است و لزوم حفظ آن بر هیچ کس پوشیده نیست. اما به اعتقاد بسیاری از کارشناسان، نبود «نمانام» (Brand)، مهم‌ترین مشکل هنرهای سنتی ایران است که باعث شده است صنایع دستی کشور، هنوز در جایگاه اصلی خود در سطح بین‌المللی قرار نگیرد. اکنون در کشور ۱۱۴ رشته هنرهای سنتی و صنایع دستی در ۱۳۶۰ تعاونی، تولید می‌شود. این امتیاز باعث شده است که هنرهای سنتی ایران، بین دو تا پنج برابر سایر تولیدات سنتی کشورهای مختلف جهان، قابلیت فروش داشته باشند. اما مسئولان و دست‌اندرکاران، تاکنون قابلیت مذکور را نادیده گرفته‌اند. اگر قصد معرفی دقیق ایران و فرهنگ و آداب و رسوم کشورمان را به سایر نقاط جهان داریم، می‌توانیم از کارکرد واقعی این مصنوعات استفاده کنیم. درحالی‌که کم‌کاری‌ها باعث

عدم آشنایی خارجی‌ها با صنایع دستی ایران شده است. به نحوی که در اغلب کشورها، به جز کشورهای معدودی مانند آلمان، ایران به عنوان دارنده هنرهای سنتی تولیدکننده صنایع دستی شناخته نمی‌شود و کشورهای آسیای جنوب شرقی و هند و چین به عنوان کشورهای تولیدکننده صنایع دستی در نظر گرفته می‌شود. عدم تبلیغات، نبود مقاله، کتاب، فیلم و غیره، به ویژه عدم بازاریابی نقش مهمی در این حوزه دارد. علاوه بر این، مشکل عدم تطابق صنایع دستی ایرانی با نیازهای خریداران خارجی نیز وجود دارد. برای مثال، قاب‌های خاتم، پارچه‌های قلمکار و غیره به لحاظ ابعادی، با توجه به کاربرد آن‌ها طراحی نشده است. به طوری که تابلوهای خاتم برای عکس‌های 9×13 cm طراحی شده است، اما اکثر عکس‌های اروپایی 10×15 cm است. عدم شناخت سلیقه‌های خریداران به لحاظ رنگ‌ها، ترکیب‌بندی آن‌ها، موتیف‌ها و غیره نیز مشکلی دیگر است.

علاوه بر آنچه تا به حال گفته شد، هنرهای سنتی ایرانی دچار مشکلات دیگری نیز است که یکی از مهم‌ترین آن‌ها، کپی رایت است. تاکنون سازمان‌های مربوطه نتوانسته‌اند با تدوین قوانین و مقررات و اجرایی کردن آن‌ها، زمینه را برای جلوگیری از کپی و سری‌کاری‌های بی‌هنران و آشفته کردن بازار هنرهای سنتی فراهم کنند. عدم بسته‌بندی مناسب، صحیح و جذاب نیز مشکل دیگری است که به بازاریابی هنرهای سنتی در داخل و به ویژه خارج از کشور آسیب می‌زند. فقدان بانک اطلاعاتی و عدم جمع‌آوری اطلاعات درباره میزان صادرات، نوع محصول، ایجاد، طرح، رنگ و نیز عدم کسب اطلاعات درباره کشور واردکننده (اینکه چه میزان کالا از چه کشورهایی با چه قیمت‌هایی وارد می‌کند) از مشکلات دیگر در این حوزه است. موانعی نظیر کمبود مواد اولیه مورد نیاز، عدم دسترسی به آن‌ها و گرانی مواد اولیه و تجهیزات، نبود سرمایه کافی برای خرید مواد اولیه و تجهیزات مورد نیاز و نبود فروشگاه، بازار، بازارچه، شهرک و تسهیلات برای ساخت بازارچه‌های صنایع دستی و عدم ساماندهی بازارهای کهنه نیز از دیگر مشکلات در این حوزه است. علاوه بر این‌ها، عدم برنامه‌ریزی تولید و فروش و عدم هماهنگی بین تولیدکنندگان و صادرکنندگان مهم و موارد گمرکی، بیمه و حمل و نقل، از موانع رشد و پیشرفت هنرهای سنتی ایرانی است.

دور شدن از جنبه هنری هنرهای سنتی و توجه به جنبه کاربردی و صنعتی هنرهای سنتی نیز یکی از مشکلات است که حتی ماهیت این هنرها را مورد تهدید قرار می‌دهد. امروزه برخی از اشیاء ارائه شده در مراکز عرضه هنرهای سنتی را با هیچ اغماضی، نمی‌توان در رده کالای هنری دستی قرار داد. زیرا اشیایی صرفاً قالبی و فاقد ذوق هنری یا هویت

فرهنگی هستند. از عرضه این آثار در فروشگاه‌های صنایع دستی ایران تعجبی نیست، اما آنچه مایه شگفتی است، این است که برخی مشتریان علاقمند به هنر اصیل ایران، این کالاها را خریداری می‌کنند. معضل دیگر، به فراموشی سپردن بعد کاربردی هنرهای سنتی است. همه آثار هنرهای سنتی که مطابق با تعاریف دقیق و صحیح از هنر-صنعت دستی خلق شده‌اند، اگر سالیان متمادی کاربردشان را در زندگی روزمره از دست بدهند یا نتوانیم کارکردهای جدیدی برایشان بیابیم، محکوم به فراموشی و نابودی هستند. زیرا هنرهای سنتی، با ذوق هنرمند و کاربرد برای خریدار زنده است. اما آنچه کمتر در این حوزه دیده می‌شود، خلاقیت، پویایی و جستجوگری هنرمندانه برای نوآوری در فرم و محتوی آثار هنری سنتی است.

مشکل دیگر این است که ارتباط هنرهای سنتی و هنرمندان سنتی با حوزه پژوهش و دانشگاه بسیار ضعیف است. مسلماً اگر یادگیری در هنرهای سنتی، بر اساس پژوهش انجام شود، دستاوردهای خوبی خواهد داشت. نگاه عمیق، دریافت درست و عمل صحیح، از اصول بنیادینی است که هر هنرمندی باید رعایت کند و آن، بیش از همه در مراکز دانشگاهی میسر می‌شود. در حالی که همه اساتید هنرهای سنتی در ایران، تجربی هستند و گاه حتی سواد خواندن و نوشتن نیز ندارند. علاوه بر این، به ندرت کتاب و مقالات مفیدی درباره آموزش هنرهای سنتی، تألیف یا پژوهش‌های تاریخی، تطبیقی و تجربی درباره آن انجام می‌شود و منابع مطالعاتی در این حوزه بسیار اندک است. ظاهراً پیشرفت هنرهای سنتی ایران، منوط به آموزش و پژوهش‌های دانشگاهی است و راه‌اندازی رشته‌های مرتبط دانشگاهی، به‌ویژه تأسیس یک یا چند دانشگاه ویژه هنرهای سنتی، گامی بسیار مهم در اعتلا و پیشرفت این هنرها خواهد بود.

۴. نتیجه‌گیری: الگوی پیشنهادی برای پیشرفت هنرهای سنتی

در بخش حاضر، با استفاده از همه مباحث پیشین، پیشنهادهایی برای بخش هنرهای سنتی در الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت، در بخش فرهنگ و هنر بیان می‌شود. شایان ذکر است که برای تدوین این الگو، از روش‌شناسی مورد توجه در مرکز الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت تبعیت گردید. به طوری که، سه سند منتشرشده از سوی مرکز الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت، راهنمای کار پژوهشگران حاضر است. اولین راهنما، مجموعه بیانات مقام معظم رهبری درباره الگوی پیشرفت است که در سندی با عنوان «خطوط راهنمای تحقیق و تدوین الگو از نگاه رهبری» به تفصیل جمع‌آوری، تنظیم، تبویب و

تدوین گردیده است. دو سند دیگر نیز «چیستی و مفهوم الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت» و «نقشه راه و فرآیند طراحی، تدوین و تصویب و پایش الگو» است که حاصل مشارکت، تعامل و همکاری مراکز متعدد پژوهشی و اساتید برجسته‌ای از حوزه و دانشگاه‌هاست. با توجه به تفاوت آرای اندیشمندان ایرانی در این باره که الگوی پیشنهادی، باید چه بخش‌هایی را شامل شود و درباره چه مسائلی صحبت کند، جمع‌بندی مرکز الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت، که در اسناد مذکور، به‌ویژه نقشه راه تدوین الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت مندرج است، در الگوی پیشنهادی بررسی حاضر مورد توجه قرار گرفت. البته با توجه به اقتضائات بحث در حوزه هنر که یکی از مهم‌ترین آن‌ها، لزوم تأکید بیشتر بر مفاهیم و شاخصه‌های کیفی است تا کمی، تغییرات اندکی در روش‌شناسی الگوی پیشنهادی انجام شده است. الگوی پیشنهادی پژوهش حاضر برای هنرهای سنتی در الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت، سرفصل‌های زیر را شامل می‌شود: ۱) تبیین وضعیت مطلوب هنرهای سنتی؛ ۲) تدوین راهبردها (چگونگی حرکت از وضعیت موجود به وضعیت مطلوب) در دو بخش راهبردهای کلان و سیاست‌های اجرایی؛ ۳) طراحی ساختارها و نظام‌های کلان خوداصلاحگر پیشران به سوی پیشرفت؛ ۴) طراحی و تعریف نظام پایش و نظارت پیشرفت.

۴-۱. تبیین وضعیت مطلوب هنرهای سنتی

وضعیت مطلوب هنرهای سنتی ایرانی، شاخصه‌های زیر را شامل می‌شود:

- وجود مدیریت یکپارچه و علمی در حوزه هنرهای سنتی؛
- افزایش سهم هنرهای سنتی در صادرات غیرنفتی به سطح ۲۰ درصد؛
- اشباع بودن بازار داخلی از گونه‌های مختلف هنرهای سنتی؛
- وجود رابطه کنش‌مند بین هنرهای سنتی با مراکز علمی و پژوهشی؛
- وجود نمانام هنرهای سنتی گوناگون و شناخته شده بودن آن در دنیا؛
- برخوردار بودن هنرمندان سنتی همه رشته‌ها از رفاه نسبی؛
- برخوردار بودن فعالان حوزه هنرهای سنتی از تحصیلات دانشگاهی؛
- سرشناس و مورد احترام بودن هنرمندان هنرهای سنتی در جامعه؛
- افزایش تنوع در شاخه‌های گوناگون هنرهای سنتی صادراتی؛
- ایجاد سنت هدیه دادن هنرهای سنتی در مراسم دولتی و خصوصی؛
- افزایش سهم هنرهای سنتی به جز فرش در سبد صادرات هنرهای سنتی؛
- تبدیل وضعیت هنرهای سنتی در خطر انقراض، به هنرهای زنده، شناخته‌شده و پویا.

وجود حداقل سه نوع از محصولات هنرهای سنتی در خانه هر ایرانی؛ رونق گردشگری هنری و مسافرانی که برای خرید هنرهای سنتی به ایران سفر می‌کنند؛ آگاهی و احساس مسئولیت هر ایرانی به اهمیت هنرهای سنتی و لزوم حفظ آن.

۴-۲. تدوین راهبردها (چگونگی حرکت از وضعیت موجود به وضعیت مطلوب)

الف. راهبردهای کلان:

اصلاح مدیریت: بسیاری از مشکلات کنونی هنرهای سنتی، ناشی از مدیریت نامطلوب بخش دولتی و خصوصی در این حوزه است. ظاهراً یکی از مهمترین راهبردها برای پیشرفت هنرهای سنتی، اصلاح مدیریت است تا از توانایی به حداکثر رساندن توان بالقوه کشور در این حوزه برخوردار گردد.

توسعه گردشگری: تا زمانی که مرزهای ایران به روی جهانگردان باز نشود و مشکلات امنیتی و اجتماعی جهانگردان با اعمال مدیریت علمی، روزآمد و نه سلیقه‌ای رفع نشود، روزه‌روز از کشورهایی همانند چین و هند، که رقبای ما در حوزه هنرهای سنتی هستند، عقب می‌افتیم. هنرهای سنتی به هیچ وجه نمی‌توانند فقط به بازار داخلی اکتفا کنند. ایجاد قابلیت رقابت بین‌المللی برای هنرهای سنتی ایرانی: پذیرش تغییر و تحول در حوزه بین‌المللی و رقابت‌های جهانی در حوزه هنرهای سنتی و صنایع دستی، نیازمند برنامه‌ریزی‌های دقیق به صورت کوتاه‌مدت، میان‌مدت و درازمدت، به جای روزمرگی، است.

تمرکز همه فعالیت‌های هنرهای سنتی در نهادی منسجم و مسئول: تمرکز مراکز تصمیم‌گیری و تصمیم‌سازی در بخش مدیریت و توسعه هنرهای سنتی و اجتناب از انجام امور موازی و پراکنده توسط متولیان گوناگون. فرهنگ‌سازی: برای افزایش سهم هنرهای سنتی در سبد خرید مردم، لازم است افراد و نهادهای مرجع، درباره ارزش و اهمیت هنرهای مذکور فرهنگ‌سازی کنند. نقش رسانه‌ها به‌ویژه صدا و سیما در این حوزه، بی‌بدیل است.

افزایش میزان تنوع هنرهای سنتی: ظاهراً به تدریج از تعداد هنرهای سنتی زنده و پویا در جامعه کاسته می‌شود. روند مذکور باید معکوس شود و نه تنها هنرهای سنتی موجود تقویت گردد، بلکه هنرهای در خطر نیز احیاء شود و با حفظ اصالت‌ها و سنت‌ها، هنرهای جدیدی با کاربری امروزی ایجاد گردد.

افزایش زمینه‌های کاربردی آثار هنرهای سنتی: هنرهای سنتی، همواره وجهی کاربردی

نیز داشته‌اند، اما این وجه کاربردی، طی دهه‌های اخیر کم‌رنگ‌تر شده است. اگر روند فوق ادامه یابد، خطر از میان رفتن این هنرها نیز وجود دارد. بنابراین، هنرهای سنتی را باید با کاربردهای جدید تطابق داد.

افزایش کیفیت: اگر همه تلاش‌های بازاریابی نیز به نتیجه برسد و یک محصول هنر سنتی خریداری شود، اما کیفیت اثر، از سطح قابل قبولی برخوردار نباشد، عملاً یک مشتری بالقوه هنرهای سنتی از دست رفته است.

کنترل و نظارت کیفی: سازمان‌های دولتی و مردمی مربوطه، باید بر محصولات صنایع دستی، نظارت‌های جدی، مستمر و مؤثری داشته باشند تا مانع فعالیت افراد سودجویی شوند که با هنر آشنایی ندارند.

استانداردسازی: برای اینکه اطمینان خریدار آثار هنرهای سنتی در ایران و خارج از ایران تأمین شود، سطح کیفی استاندارد یابد برای این محصولات وجود داشته باشد تا خریدار غیرمتخصص، در خرید خود دچار زیان و فریب نشود.

افزایش اعتماد جامعه: در شرایط کنونی، رواج محصولات بی‌کیفیت و تقلبی داخلی و انبوه محصولات بنجل خارجی، بازار هنرهای سنتی را آشفته کرده است. با جلوگیری از واردات هنرهای سنتی و افزایش کیفیت محصولات داخلی، باید به تغییر روند فوق پرداخت.

ایجاد جذابیت برای سرمایه‌گذاری خصوصی: ایجاد معافیت‌های مالیاتی، عرضه تسهیلات مالی و روش‌هایی مانند آن، می‌تواند مخاطره سرمایه‌گذار خصوصی برای سرمایه‌گذاری در حوزه هنرهای سنتی را کاهش دهد و به افزایش سرمایه در گردش هنرهای سنتی منجر شود.

افزایش سهم مدیریت خصوصی بر هنرهای سنتی: برای رهایی از مشکلاتی که مدیریت دولتی حتی در بهترین حالت خود در پی دارد، زمینه برای افزایش سهم مدیریت بخش خصوصی باید فراهم گردد و به تدریج، مدیریت دولتی را منحصر به اجرای وظیفه نظارت و پایش کرد.

نمانام سازی: متأسفانه به جز برخی اقلام خاص، هنرهای سنتی ایران در جهان چندان شناخته شده نیست. با اتخاذ راهکارهای گوناگون باید این هنرها را به مردم دنیا شناساند و با بازاریابی در سایر کشورها و عرضه محصولات باکیفیت، نمانام خاصی برای آثار هنرهای سنتی ایران به وجود آورد.

ب. سیاست‌های اجرایی:

تأسیس دانشگاه هنرهای سنتی در اصفهان؛
ایجاد نشان ثبت جهانی در همکاری با یونسکو و سایر نهادهای فرهنگی بین‌المللی؛
ارائه نشان استاندارد ملی برای آثار هنرهای سنتی؛
ارائه معافیت‌های مالیاتی برای فعالان و سرمایه‌گذاران در حوزه هنرهای سنتی؛
مقررات‌زدایی در مدیریت هنرهای سنتی؛
جایگزینی قوانین و ضوابط مترقی در مدیریت هنرهای سنتی؛
ایجاد کرسی‌های استادی برای هنرمندان سنتی برجسته؛
استقرار نظام مدیریتی باز و برون‌گرا در مدیریت هنرهای سنتی؛
ایجاد نگاه فراملی در مدیریت هنرهای سنتی؛
تغییر بنیادین بوروکراسی اداری در مدیریت هنرهای سنتی؛
تدوین نظام مدیریت پویا با تأمین شرایط احراز و انتصاب؛
هدایت نظام مدیریتی از روش سنتی به روش علمی، کارآمد، اثربخش و غیرسلیقه‌ای؛
ارائه تسهیلات مالی برای سرمایه‌گذاران در حوزه هنرهای سنتی؛
ارائه تسهیلات بیمه‌ای سرمایه‌گذاران در حوزه هنرهای سنتی؛
تأسیس مراکز پژوهشی تخصصی در حوزه گونه‌های مختلف هنرهای سنتی؛
افزایش اعتبارات دولتی؛
زمینه‌سازی برای افزایش سرمایه‌گذاری خصوصی؛
راه‌اندازی بانک اطلاعات جامع صنایع دستی؛
ارائه آموزش‌های لازم به جهانگردان از طریق رسانه‌های گروهی و جرائد؛
اطلاع‌رسانی درباره هنرهای سنتی در رسانه‌های گوناگون؛
انجام پژوهش‌های تاریخی و تجربی توسط مراکز علمی مربوطه؛
بررسی موانع فرهنگی استقبال مردم از هنرهای سنتی؛
معرفی هنرهای سنتی در مراکز حضور و رفت و آمد جهانگردان؛
اصلاح نگرش‌های کلان، جهت‌گیری‌ها و فرآیندهای داخلی به منظور آماده کردن بستر توسعه گردشگری؛
اتخاذ تدابیر لازم برای ایجاد هماهنگی بین همه دستگاه‌ها و مؤسسات دولتی و غیردولتی
مرتبط با امور گردشگری به منظور آماده کردن بستر توسعه جهانگردی؛
ساخت برنامه‌های نمایشی و جذاب با محوریت هنرهای سنتی در صدا و سیما؛

تقویت کادر قوی با تحصیلات مرتبط با هنرهای سنتی در سازمان‌های مربوطه؛
تقویت کادر قوی با تحصیلات مرتبط با گردشگری در سازمان‌های مربوطه.

تدوین قوانین شفاف و لازم‌الاجرا در حوزه هنرهای سنتی؛

تدوین قوانین شفاف و لازم‌الاجرا در حوزه گردشگری؛

آگاه‌سازی و مشارکت دادن جوامع محلی پذیرای جهانگردان؛

ایجاد بازارچه‌های دائمی هنرهای سنتی؛

برنامه‌ریزی برای کاهش فصلی بودن مقاصد گردشگری؛

حمایت از توسعه کارگاه‌های تولیدی؛

ایجاد بازارچه‌های موقتی هنرهای سنتی؛

تهیه و تدوین استاندارد مواد اولیه مورد مصرف در هنرهای سنتی؛

تشویق نوآوری در حوزه صنایع دستی با حفظ اصالت‌ها و سنت‌ها؛

تأمین امنیت برای سرمایه‌گذاری در واحدهای تولیدی؛

افزایش پوشش بیمه‌ای برای نیروهای کار و تولیدات هنرهای صنعتی؛

افزایش کیفیت و میزان دوام هنرهای سنتی؛

تعیین جوایز کشوری برای بهترین آثار هنرهای سنتی؛

تعیین جوایز بین‌المللی برای بهترین آثار هنرهای سنتی؛

تولید هنرهای صناعی با الهام از فرم کلی و نگاره‌های آثار تاریخی و باستانی؛

بسته‌بندی مناسب آثار صنایع دستی؛

تعیین هنرهای سنتی به عنوان جوایز و هدایا در قرعه‌کشی‌ها و مراسم گوناگون؛

قائل شدن تسهیلات لازم و ارزان‌قیمت و حتی رایگان برای ارسال صنایع دستی به

صورت پستی؛

تأمین امکانات و عرضه خدمات مناسب در حوزه بیمه آثار هنرهای سنتی؛

تأمین امکانات حمل و نقل و تحویل سالم و به‌موقع آثار در مقصد مورد نظر گردشگران؛

تأمین امکانات حمل و نقل و تحویل سالم و به‌موقع آثار در مقصد مورد نظر خریداران داخلی؛

برگزاری نمایشگاه‌های فصلی و سالانه؛

ایجاد موزه‌های دائمی هنرهای سنتی؛

کنترل و نظارت مستمر دولت و نهادهای ذیربط بر کیفیت آثار هنرهای سنتی؛

کنترل و نظارت مستمر دولت و نهادهای ذیربط بر قیمت آثار هنرهای سنتی؛

صدور کالا و صنایع دستی کشور از طریق جهانگردان.

۳-۴. طراحی ساختارها و نظام‌های کلان خود اصلاحگر پیشران به سوی پیشرفت

مهم‌ترین نهادهایی که تأسیس آن‌ها برای حمایت از پیشرفت و توسعه هنرهای سنتی لازم است، عبارت‌اند از: مرکز ملی هنرهای سنتی به عنوان زیرمجموعه سازمان میراث فرهنگی؛ دانشگاه هنرهای سنتی در اصفهان؛ پژوهشگاه‌های تخصصی برای گونه‌های مختلف هنرهای سنتی؛ معاونت سمن‌ها در مرکز ملی هنرهای سنتی برای سازماندهی، هماهنگی و مدیریت تعاونی‌ها و سازمان‌های مردم‌نهاد در حوزه هنرهای سنتی؛ و مجامع صنفی هنرمندان سنتی در شاخه‌های گوناگون.

۴-۴. طراحی و تعریف نظام پایش و نظارت پیشرفت کشور

انجام وظیفه پایش و نظارت به وسیله مرکز ملی هنرهای سنتی با استفاده از کارشناسان مرکز و کارشناسان مدعو از مراکز دانشگاهی و علمی و مرکز الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت.

الف- ارائه گزارش‌های سالانه پایشی توسط کارشناسان مرکز برای پایش جامع، پویا، گویا و مؤثر درباره میزان انطباق سیاست‌های اجرایی با اهداف طراحی شده در الگو در سه بخش مجزا:

(۱) پایش درون‌داد، شامل:

پایش زمان صرف‌شده برای انجام هر یک از سیاست‌های اجرایی و عدم عدول از زمان مقرر؛

پایش پیشرفت نیروی انسانی مؤثر در سیاست‌های اجرایی و راهبردهای کلان شامل پایش مدیران دولتی و خصوصی در حوزه هنرهای سنتی، پیشرفت هنرمندان سنتی، دانشجویان و کارآموزان هنرهای سنتی؛

پایش منابع مالی صرف‌شده برای اجرای سیاست‌های اجرایی در حوزه هنرهای سنتی؛ پایش منابع اطلاعاتی مرتبط با هنرهای سنتی؛

پایش مشارکت افراد و گروه‌ها بر اساس راهبردهای کلان و سیاست‌های اجرایی ابلاغ شده در حوزه هنرهای سنتی؛

(۲) پایش فرایند، شامل:

بررسی دقیق و جزئی رعایت ضوابط و استانداردهای مورد توجه در سیاست‌های ابلاغی مرکز ملی هنرهای سنتی.

۳) پایش برون داد، شامل:

مطلوبیت نتایج در هر مرحله از سیاست‌ها؛

به موقع بودن خدمات به ویژه خدمات مالی دولتی در هر مرحله؛

بررسی به هنگام بودن تصمیم‌گیری‌های نهادهای مدیریتی دولتی و خصوصی؛

بررسی دقیق و جامع اخبار و گزارش‌های مربوط به وضعیت اجرای طرح، به ویژه

شکایت‌ها؛

بررسی تعارض‌های بین اعمال مجریان سیاست‌های ابلاغی با شیوه طراحی شده از پیش

و روند حل و فصل این تعارض‌ها به نفع هر یک از طرفین.

سنجش میزان رضایت در بین جامعه مخاطب، به ویژه هنرمندان هنرهای سنتی و

دست‌اندرکاران این حوزه.

ب- ارائه گزارش‌های دوسالانه ارزشیابی توسط کارشناسان مرکز و مدعو برای ارزشیابی

و بررسی میزان تحقق اهداف با اجرای برنامه‌ها در عمل در سه بخش مجزا:

۱) ارزشیابی عملکرد نهادهای دولتی، خصوصی و دست‌اندرکاران هنرهای سنتی در

حوزه تحقق اهداف راهبردی؛

۲) ارزشیابی پیامدهای مطلوب و نامطلوب اجرای سیاست‌های ابلاغی توسط مجریان؛

۳) ارزشیابی آثار اجرای الگو و سیاست‌های ابلاغی بر رضایت مشتریان و مخاطبان

محصولات هنرهای سنتی.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

پرتال جامع علوم انسانی

منابع

- افشاری، مرتضی (۱۳۸۵)، «سنت و هنر سنتی»، *کتاب ماه هنر*، خرداد و تیر، شماره ۹۳ و ۹۴، ۸۶-۹۲.
- بنیانیان، حسن (۱۳۸۷)، *فرهنگ توسعه، خط‌مشی گذاری برای تقویت فرهنگ توسعه در ایران*، تهران: امیرکبیر.
- پژوهنده، محمدحسین (۱۳۸۰)، «توسعه فرهنگی و فرهنگ توسعه در اسلام»، *اندیشه حوزه*، تابستان، شماره ۳۰، ۴۶-۵۸.
- میر معزی، سید حسین (۱۳۸۹)، «الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت محصول اسلامی‌سازی علوم انسانی»، در *دبیرخانه نشست اندیشه‌های راهبردی، کتاب نخستین نشست اندیشه‌های راهبردی الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت*، تهران: دبیرخانه نشست اندیشه‌های راهبردی.
- علاسوند، فریبا (۱۳۸۹)، «الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت؛ ضرورت‌ها و موانع»، در *دبیرخانه نشست اندیشه‌های راهبردی، کتاب نخستین نشست اندیشه‌های راهبردی الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت*، تهران: دبیرخانه نشست اندیشه‌های راهبردی.
- نوبخت، محمدباقر (۱۳۸۹)، «الگوی مطلوب توسعه ایرانی اسلامی»، در *دبیرخانه نشست اندیشه‌های راهبردی، کتاب نخستین نشست اندیشه‌های راهبردی الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت*، تهران: دبیرخانه نشست اندیشه‌های راهبردی.
- شریف زاده، سید عبدالمجید (۱۳۷۸)، «مبانی هنرهای سنتی»، *کتاب ماه هنر*، خرداد و تیر، شماره ۸، ۱-۴.
- نصر، حسین (۱۳۸۹)، *هنر و معنویت اسلامی*، تهران: انتشارات حکمت.
- مجتهدی، کریم (۱۳۷۳)، «بحران هویت هدایت باطن بحران‌های معاصر»، *نافه فرهنگ*،

بهار، شماره ۱، ۷-۲۴.

- مهرپویا، جمشید (۱۳۸۸)، «درآمدی بر شناخت هنرهای سنتی ایران»، *رشد آموزش هنر*، تابستان، شماره ۱۸، ۴۵-۴۹.

- خامنه‌ای، سیدعلی (۱۳۸۷)، «لزوم اصلاح فرهنگ عمومی»، پایگاه اطلاع رسانی دفتر حفظ و نشر آثار حضرت آیت الله العظمی سیدعلی خامنه‌ای، مؤسسه پژوهشی فرهنگی انقلاب اسلامی.

- خوش چهره، محمد و نیک بخش، حبیبی (۱۳۹۱)، «اصول پایه‌ای و عناصر کلیدی الگوی اسلامی- ایرانی پیشرفت از منظر اسناد فرادستی نظام ج.ا.ایران»، *راهبرد*، سال بیست و یکم، بهار، شماره ۶۲، ۲۱۹-۲۳۳.

- هاتفی، مهدی (۱۳۸۸)، «هنرهای سنتی و صنایع دستی، محور توسعه فرهنگی و صادرات»، *کتاب ماه علوم اجتماعی*، بهمن، شماره ۲۳، ۷۶-۷۷.

۱۵۵

دفتر نشر الگوی پیشرفت
اسلامی و ایرانی

طرح پیشنهادی برای پیشرفت هنرهای سنتی در چارچوب الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت
اعظم ملایی و همکاران



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی